

## آموزش ناشنوایان زبان اشاره و دیگر شیوه‌های آموزشی

سارا سیاوشی<sup>۱</sup>

### اشاره

این مقاله نگاهی دارد به وضعیت زبانی ناشنوایان و به خصوص ناشنوایان ایرانی. زبان اشاره زبان اول ناشنوایان ایران است ولی در حال حاضر زبان آموزش نیست. در حالیکه تجربه نشان داده است میزان درک و بازده آموزشی ناشنوایان، با استفاده از زبان اشاره بالا می‌رود و این امر به پیشرفت تحصیلی و شناختی آنان کمک می‌کند. مشکل دیگر در مورد ناشنوایان ایرانی ضعف آنان در درک و تولید نوشتار فارسی است. برای از بین بردن این ضعف باید از روشهای آموزش زبان دوم ویژه ناشنوایان استفاده کرد.

تا اینکه اولین مدرسه ناشنوایان در شهر «ماناگوئه» تأسیس شد و در مدت چند سال یک زبان کامل و طبیعی میان ناشنوایان این کشور به نام «زبان اشاره نیکاراگوئه‌ای» شکل گرفت که زبانی کارآمد و دقیق است. زبان اشاره از ترکیب حرکات انگشتان، دست‌ها و حالات صورت به وجود می‌آید. چنانچه به طور مثال حرکت دهان یا حالت کلی صورت تغییر کند، معنای کلمه تولید شده نیز می‌تواند تغییر کند، یا به عبارت دیگر کلمه دیگری تولید می‌شود. همین اصل در مورد حرکات انگشتان و دستها نیز صادق است.

زبان‌های اشاره از زبان‌های کلامی محیط خود مستقل و البته تا حدودی تحت تأثیر آن هستند، زبان اشاره‌ای که ناشنوایان ایرانی استفاده می‌کنند، گرچه به نام «زبان اشاره فارسی» نامیده می‌شود، با زبان فارسی تفاوت‌های اساسی دارد. بعضی گمان می‌کنند اگر کلمات زبان فارسی را در هر جمله فارسی یکی یکی با اشاره‌های زبان اشاره جایگزین کنند، حاصل زبان اشاره ناشنوایان است. درحالیکه این روش تنها «فارسی اشاره‌ای» نامیده می‌شود. یعنی نوعی زبان فارسی است که کدهای کلامی با کدهای اشاره‌ای جایگزین شده است. درست مانند این است که جمله‌ای فارسی را با کلمات انگلیسی جایگزین کنیم بدون آنکه ساختار جمله فارسی را تغییر دهیم.

**آموزش ناشنوایان در ایران، مشکلات و راهکارها:** مهمترین مشکل ناشنوایان مسئله زبان آموزش و نحوه برقراری ارتباط معلمان با ناشنوایان است. مهمترین بحث نیز در این میان انتخاب روش یا روشهایی برای آموزش به ناشنوایان است.

پیروان آموزش شفاهی معتقدند افراد ناشنوایی که تنها زبان اشاره را برای ارتباط استفاده می‌کنند، از جامعه پیرامون خود جدا می‌شوند، چرا که تعداد بسیار کمی از افراد شنوا زبان اشاره می‌دانند. آنها معتقدند که استفاده از زبان اشاره باعث انزوای جامعه ناشنوا از بقیه افراد جامعه می‌شود. از این رو آموزش گفتار و لبخوانی برای همگون شدن و ادغام ناشنوایان در جامعه ضروری است. اما تجربه نشان داده است که انرژی و زمانی که صرف گفتار و لبخوانی می‌شود و تحریمهایی که در مورد استفاده از زبان اشاره اعمال شده در مجموع افت تحصیلی را به دنبال داشته است. در عوض تجربه مدرسی که در آنها به نحو گسترده‌ای از زبان اشاره استفاده شده (مانند مدارس آمریکایی Hartford Asylum در دهه ۱۸۵۰) نشان داده است که دانش‌آموختگان این مدارس با کسب مدارج تحصیلی در دانشگاه‌ها همانند همسالان عادی خود توانسته‌اند وارد جامعه پیرامون خود شوند و دیگر منزوی نباشند. از آنجایی که ناشنوایان توانایی شنیدن اصوات را ندارند، نباید از

زبان انسان کیفیتی ذاتی دارد، یعنی کودک انسان به طور ذاتی دستگاه درک و تولید و پردازش زبانی را داراست و تنها کافی است تا در محیطی زبانی (مثلاً در خانواده و شهری فارسی‌زبان، یا در محیطی با یک زبان اشاره) قرار گیرد، تا توانایی بالقوه زبانی او به رفتار زبانی تبدیل شود. اما زبان در جامعه شکل می‌گیرد و گسترش می‌یابد. بدون جامعه یعنی بدون اینکه فرد در جمع قرار گیرد با افراد تعامل و ارتباط پیدا کند، زبانش هم شکل نخواهد گرفت. فردی که در تنهایی و در گوشه‌ای منزوی است، زبانش هم باز نخواهد شد و واژه‌ها را نمی‌تواند بیان کند.

**زبان و جامعه:** رفتارهای زبانی جزء پیچیده‌ترین رفتارهای ذاتی انسان هستند. همه جوامع انسانی دارای زبان هستند و زبان همه جوامع انسانی دارای پیچیدگی‌هایی کم و بیش یکسان است. زبان ابزار ارتباطی انسان است. یعنی انسانها، به طور طبیعی (بدون نیاز به مؤسسه و سازمان) زبان را می‌سازند. برای ساخته شدن هر زبانی یک جامعه انسانی لازم است. بنابراین هیچکدام از زبان‌هایی که می‌شناسیم جدا از جامعه زبانی شکل نگرفته‌اند. بلکه در گذشته‌های دور با تشکیل جوامع انسانی یا از اشتقاق از یک جامعه دیگر، این زبان‌ها به مرور شکل گرفته‌اند.

**زبان اشاره:** زبان‌های اشاره زبان‌هایی بصری - حرکتی و ابزار ارتباطی افراد ناشنوا در مناطق مختلف دنیا هستند. بر خلاف تصور بسیاری، زبان اشاره زبانی جهانی نیست و هر منطقه دارای زبان اشاره خاص خود است. این زبان‌ها نیز مثل همه زبان‌های دیگر، درون مرزهای یک کشور نیز دارای اشکال گوناگون و لهجه‌های مختلف هستند. طبیعتاً میان زبان‌های اشاره دنیا شباهتهایی وجود دارد، اما این شباهتها بدان معنا نیست که ناشنوایان کشورهای مختلف قادر به فهمیدن هم هستند. (البته به دلیل تصویرگویی زبان‌های اشاره، تفاهم میان دو ناشنوا از دو کشور مختلف، سریعتر از تفاهم میان دو شنوا شکل می‌گیرد).

مانند سایر زبان‌های طبیعی دنیا برای شکل‌گیری و تحول هر زبان اشاره‌ای یک جامعه زبانی لازم است. مسلم است که در جوامعی که ناشنوایان مجالی برای دیدار با یکدیگر ندارند و هر ناشنوایی در خانواده شنوای خود به صورت جدا افتاده از دیگران زندگی می‌کند، امکانی برای شکل‌گیری یک زبان اشاره واقعی وجود ندارد. گرچه ممکن است زبانی طبیعی بین یک فرد ناشنوا و افراد شنوای خانواده‌اش شکل بگیرد که البته برای دیگر ناشنوایان قابل درک نیست (زبان اشاره خانگی).

در کشور نیکاراگوئه تا پنجاه سال پیش زبان اشاره‌ای منسجم که از طریق آن ناشنوایان این کشور با هم ارتباط برقرار کنند، وجود نداشت.

۱. نویسنده و کارشناس امور معلولان و ناشنوایان.



آنها انتظار داشت تنها با مشاهده حرکات لبها و بدون شنیدن صوت مفاهیم را به طور کامل درک کنند. جالب اینجاست که افراد شنوا برای درک سخنان یکدیگر لازم نیست به هم نگاه کنند و حتی از طریق تلفن به راحتی مفاهیم را منتقل می‌کنند. پس مشاهده لبها در ایجاد ارتباط شفاهی آنچنان با اهمیت نیست. به اعتقاد کارشناسان، لبخوانی تفسیری ناقص و تحریف شده از ساختمان زبان محاوره‌ای ارائه می‌دهد. واحدهای قابل رؤیت با اصوات شنوایی حاصل از زبان محاوره‌ای هم‌شکل نیستند. از این رو لبخوانی برای یادگیری دستور و نحو زبان مناسب نیست. سایر محققان نیز تأکید دارند که لبخوانی به منزله دریافت دیداری زبان نمی‌تواند از محدوده کنش فراتر رود.

از طرفی زبان اشاره‌ای که به طور طبیعی در میان گروه‌های ناشنوایان شکل می‌گیرد، امکاناتی در اختیار آنان قرار می‌دهد که همانند همه امکاناتی است که گفتار برای افراد شنوا داراست. در زبان‌های اشاره طبیعی لحن و لهجه وجود دارد که در لبخوانی و گفتارخوانی یافت نمی‌شود. زبان‌های اشاره، همانند زبان‌های گفتاری، شعر، طنز، بازیهای زبانی، آواز و نمایش دارند. ناشنوایان با زبان اشاره امکان بیشتری برای بروز و پرورش مهارت‌های ارتباطی دارند.

بنابراین استفاده از زبان اشاره در مدارس ناشنوایان با برطرف کردن نیازهای ارتباطی ناشنوایان، اعتماد به نفس و علاقه به یادگیری را در میان آنها افزایش می‌دهد تا جایی که حتی علاقه به یادگیری زبان فارسی هم در آنها پیشرفت خواهد کرد. همانطور که در جمعیت فارسی‌زبان هم، دانش‌آموزان و دانشجویانی که علاقه به ادامه تحصیل و انگیزه یادگیری در آنها بیشتر باشد، هنگامی که به موقعیت زبان انگلیسی در حوزه علم پی می‌برند، انگیزه یاد گرفتن زبان انگلیسی هم در آنها افزایش می‌یابد. ادامه تحصیل ناشنوایان باعث می‌شود از انزوا خارج شوند. چرا که با بهبود وضع تحصیلی، اهمیت یادگیری زبان فارسی را برای ایجاد ارتباط در امور آموزشی - پژوهشی احساس خواهند کرد و به صورت افرادی دوزبانه و دوفرهنگی وارد جامعه دانشگاهی فارسی‌زبان خواهند شد. تعداد محدودی از ناشنوایان ایرانی که توانسته‌اند به مقاطع بالاتر از دیپلم راه پیدا کنند، به مرور دارای دوستان بسیاری در میان افراد شنوا شده‌اند و بیش از بقیه ناشنوایان با مردم شنوا ارتباط برقرار می‌کنند.

زبان اشاره فارسی زبان کامل و کارآمدی است و بیش از سایر نظام‌های ارتباطی در انتقال مفاهیم به ناشنوایان کارایی دارد. بنابراین استفاده از این زبان در آموزش نه تنها نباید سرکوب شود، بلکه باید هر چه بیشتر معلمان را با این زبان آشنا ساخت و حتی از افراد شنوا در امر آموزش ناشنوایان استفاده کرد.

به طور کلی مهمترین عامل در حل مشکلات آموزشی ناشنوایان ایران این است که لازم است مسئولان آموزشی زبان اشاره را زبانی مستقل

از فارسی بدانند و بپذیرند که زبان فارسی زبان دوم ناشنوایان است. بنابراین باید معلمان و امکاناتی برای آموزش زبان فارسی به ناشنوایان در نظر گرفته شود و مواد آموزشی آنها متفاوت با افراد شنوا باشد. همچنین از زبان اشاره، یعنی زبان اول ناشنوایان، در امر آموزش استفاده گسترده شود. در غیر این صورت مقایسه میزان یادگیری و سطح دانش آنها با افراد شنوا تبعیضی آشکار است. دانش‌آموزان ناشنوای ایرانی امروز این تبعیض را کاملاً احساس می‌کنند. آنها تقریباً در تمام دروس خود با مشکل یادگیری روبرو هستند که علت اصلی آن ناتوانی معلمان در برقراری ارتباط مؤثر با آنهاست.

معلمان ناشنوایان در ایران مشکلات بسیاری در آموزش و ارتباط با ناشنوایان دارند. برخی از آنان که انگیزه آموزش بیشتری دارند، سعی در یادگیری زبان اشاره می‌کنند تا بتوانند ارتباط بهتری با دانش‌آموزان خود داشته باشند. اما تعداد این معلمان اندک است. عده دیگر روش‌های ارتباطی خاص خود را ابداع می‌کنند و در یاد دادن بعضی دروس ممکن است به موفقیت‌های مقطعی دست یابند. اما تعداد بسیار زیادی از معلمان به نوعی ناامیدی در امر آموزش به دانش‌آموزان ناشنوا رسیده‌اند و به سقفی محدود از یادگیری در ناشنوایان بسنده کرده‌اند. مشکلات یادگیری ناشنوایان در برخی دروس حادث است. در دوره دبیرستان در یادگیری زبان و ادبیات فارسی، زبان انگلیسی و زبان عربی تقریباً تمام دانش‌آموزان ناشنوا نسبت به همتایان شنوای خود به نحو چشمگیری ضعیف هستند. نکته مورد توجه این است که همه دروس فوق در آزمون سراسری ورود به دانشگاه دارای ضریب بالا هستند و همین امر راهیابی به دانشگاه را برای ناشنوایان تا حد زیادی غیرممکن ساخته است.

بعضی از ناشنوایان که در زمینه‌های آموزشی و تحصیلی از بقیه موفق‌تر بوده‌اند (بیشتر افرادی نیمه‌شنوا هستند یا اینکه از بدو تولد ناشنوا نبوده‌اند و به دلایلی در کودکی یا بزرگسالی ناشنوا شده‌اند)، در محافلی به غیر از مدارس رسمی، اقدام به برگزاری کلاسهای تقویتی برای کودکان و نوجوانان ناشنوا یا کلاسهای سوادآموزی برای بزرگسالان ناشنوا می‌کنند و موفقیت در این کلاسها به نحو چشمگیری بالاتر از کلاسهای رسمی مدارس است.

به این ترتیب معلوم می‌شود که مهمترین عامل در برقراری ارتباط با ناشنوایان آشنایی با زبان و فرهنگ آنان است. متأسفانه در مدارس ناشنوایان از معلمان ناشنوا یا کسانی که با زبان اشاره آشنایی داشته باشند به نحو گسترده‌ای استفاده نمی‌شود و همین امر میان دانش‌آموزان و معلمان فاصله ایجاد کرده است.

سالهست تلاش می‌شود با کمرنگ کردن زبان اشاره و ترویج روش شفاهی ناشنوایان در جامعه ادغام شوند. اما ناشنوایان همچنان با افت تحصیلی دست به گریبانند و راهیابی به دانشگاه برای آنان بسیار مشکل است. با اینکه یکی از اهداف روش شفاهی پرورش مهارت در زبان فارسی است، اما زبان فارسی ناشنوایان همواره نسبت به همسن و سالان شنوای آنها بسیار ضعیف‌تر است و همین امر ورود به دانشگاه را برای آنها بسیار سخت کرده است. نتایج برخی از تحقیقات (جلالی‌پور ۱۳۷۹: ۳۰-۳۱) نشان می‌دهند که کودکان ناشنوا در تولید نوشتار فارسی خطاهای دستوری آشکاری مرتکب می‌شوند. کودکانی با افت شنوایی بیشتر تمایل به حذف واژه‌های دستوری مثل حروف اضافه و افعال کمکی دارند. ترتیب کلمات در اکثر جملاتشان دارای الگوی غیر فارسی است و برخی اصلاً دستور مشخصی ندارند یا از نظر دستوری انحراف دارند. همچنین با افعالی چون «بودن» و «داشتن» در زبان فارسی مشکلات خاصی دارند. دانش‌آموزان ناشنوا در پردازش

ناشنوایان باید توجه داشت که با دوزبانه‌های دیگر تفاوتی دارند. از جمله اینکه تنوع مهارت‌های زبانی و رفتارهای زبانی در میان ناشنوایان بیشتر از سایر دوزبانه‌هاست. چون آنها زبان اول خود را در سنین مختلف و به روش‌های مختلف آموخته‌اند. همچنین حقوق مربوط به دوزبانه‌های دیگر که پایگاه خانواده و قومیت آنها را حمایت می‌کند، در مورد اغلب ناشنوایان نادیده گرفته می‌شود (حدود ۹۰ درصد ناشنوایان در خانواده‌هایی شنوا متولد می‌شوند). همچنین باید دانست که گویشوران زبان‌هایی غیر از فارسی در ایران (مانند کردها، عربها، ترک‌ها، بلوچها و...) اغلب از کودکی این امکان را دارند که از طریق رسانه‌های دیداری - شنیداری مانند تلویزیون، که امروز استفاده از آن در دورافتاده‌ترین مناطق ایران هم رواج دارد، در معرض زبان فارسی باشند. اما میزان بیگانگی ناشنوایان با زبان فارسی از دیگر اقلیت‌های زبانی هم بیشتر است. چون آنان امکان استفاده از رادیو و تلویزیون را جز با ترجمه و به واسطه یک رابط زبان اشاره ندارند.

پس از پذیرفتن این واقعیت که ناشنوایان دارای فرهنگ و رفتارهای زبانی و ارتباطی متفاوتی با فارسی‌زبانان هستند، باید به دنبال یافتن روش‌های مؤثر برای آموزش زبان فارسی و همچنین آموزش علوم و فنون به ناشنوایان بود.

در آموزش به ناشنوایان نقش زبان اشاره را نمی‌توان نادیده گرفت. در همایشی که در سال ۱۹۹۳ در سوئد با عنوان «دوزبانگی در آموزش ناشنوایان» برگزار شد، به تجربه موفق آموزش ناشنوایان در طول دو دهه در سوئد اشاره شد. در این کشور از زبان اشاره به عنوان واسطه آموزش استفاده می‌شود و زبان نوشتاری سوئدی به عنوان زبان دوم به ناشنوایان یاد داده می‌شود.

در این میان تألیف کتاب‌های آموزش زبان فارسی نوشتاری، مخصوص ناشنوایان با استفاده از روش‌های آموزشی زبان دوم یکی از نیازهای اساسی جامعه ناشنوای ایران است.

#### منابع

- بنی‌هاشمی، سید محسن (۱۳۷۵). برخی ویژگی‌های زبانی در گفتار دانش‌آموزان ناشنوای تهرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گفتاردرمانی، دانشکده علوم بهزیستی و توانبخشی.
- به پژوه، احمد و دیگران (زمستان ۷۹). «مقایسه نگرش دانش‌آموزان دبیرستان‌های تلفیقی و عادی نسبت به دانش‌آموزان ناشنوا و یکپارچه‌سازی آموزش آنان»، مجله روانشناسی، شماره ۱۶، صص ۳۷۱-۳۸۷.
- جلائی‌پور، مریم (۱۳۷۹). بررسی میزان به‌کارگیری عناصر نحوی در بیان نوشتاری دانش‌آموزان کم‌شنوای مدارس استثنایی و مقایسه آن با دانش‌آموزان سالم در پایه پنجم دبستان شهر تهران، پایان‌نامه، دانشکده علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ساویج، آر. دی، ایوانز، ال، ساویج، جی. اف،... روانشناسی و ارتباط در کودکان ناشنوا، (ترجمه شرمین خزانلی ۱۳۷۱) معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- سیاوشی، سارا (۱۳۸۴). نگاهی به ساخت اشاره‌ها و هم‌نشینی آنها در زبان اشاره فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- سایت جوانان ناشنوای پیش‌تاز ایران، ۸ آبان ۱۳۹۱.
- Grosjean, F. (1994). "Sign Bilingualism" In Asher, R.E. (ed). The Encyclopedia of Language and Linguistics. Vol. 7, Pergamon Press.
- Hyltenstam, Ahlgren, Inger & Kenneth. (1994). Bilingualism in Deaf Education, Signum.
- Malmkjar, Kirsten. (2004). The Linguistics Encyclopedia. 2nd Edition Routledge.
- Newport. EL & Meier. R (1985). The acquisition of American Sign acquisition. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Paul, Peter V. & Quigley, Stephen P. (1994). Language and Deafness (2nd ed.). Singular Publishing Group.
- Woll, B. (1990). Sign Language, in N.Colling. An Encyclopedia of Language and Linguistics, Routledge, pp: 740 – 783.

تضاد معنایی در مورد واژگان فارسی کندتر از همتایان شنوای خود هستند. همچنین از مجموعه گفته‌های فارسی ناشنوایان تنها ۱۵/۳۰ درصد گفته‌ها از نظر دستور زبان فارسی درست یا قابل قبول است. این پژوهشها و مشاهدات دیگر همگی مؤید این امر است که زبان فارسی برای ناشنوایان ایرانی جایگاه یک زبان دوم را دارد. بنابراین آموزش فارسی به ناشنوایان نیز باید متمایز از دیگران و با امکانات و روش‌هایی متفاوت انجام شود.

**فارسی اشاره‌ای:** استفاده از نظام ارتباطی «فارسی اشاره‌ای» شاید برای آموزش زبان فارسی مفید باشد. البته با گفتن هر جمله فارسی به صورت فارسی اشاره‌ای باید ترجمه آن را به زبان اشاره طبیعی نیز بیان کرد تا مفهوم جمله فارسی برای ناشنوا مشخص شود. اما استفاده از این نظام برای برقراری ارتباط با ناشنوایان و اطلاع‌رسانی به آنان (به روشی که در اخبار ویژه ناشنوایان در روزهای جمعه در تلویزیون می‌بینیم) روشی عقیم است و امر ارتباط را مختل می‌کند. ناشنوایان با این روش نمی‌توانند به خوبی ارتباط برقرار کنند و این امر به علت بی‌سوادی یا تنبلی آنها در یادگیری زبان فارسی نیست. دلایل آن را در جای دیگری باید پیدا کرد. فارسی زبانی است با نمود شنیداری - آوایی و با شنیدن درک می‌شود. از این رو زبانی است که ترتیب خطی - زمانی در آن اهمیت دارد. یعنی هر کلمه بعد از کلمه قبلی می‌آید و این ترتیب زمانی جزء منطق زبان فارسی و هر زبان گفتاری دیگری است. در فارسی نمی‌توان به طور هم‌زمان دو واژه را گفت یا نوشت. در حالیکه زبان اشاره یک زبان بصری است و آن را باید دید. همانطور که در این پژوهش نشان داده شد، در زبان اشاره ساختار فضایی اهمیت بسیار دارد و اطلاعات هم به صورت متوالی و هم به صورت هم‌زمان منتقل می‌شوند. بنابراین نقش ترتیب زمانی در این زبان با زبان فارسی متفاوت است. این دو زبان در تولید، دریافت و شکل متفاوتند. بنابراین از تلفیق اشاره‌های زبان اشاره با نحو زبان فارسی ابزار ارتباطی نامناسبی به وجود می‌آید که نه ناشنوایان می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند و نه فارسی‌زبانان. چرا که اشارات به صورت مجزا زبان را نمی‌سازند، بلکه استفاده از تمام جنبه‌های حرکات دستها، صورت، حرکت سر و قواعد نحوی زبان اشاره لازم است تا ارتباط میسر شود.

**طرح آموزش تلفیقی:** مدتی است در ایران طرح تلفیق ناشنوایان در مدارس عادی به اجرا گذاشته می‌شود. یکی از استدلال‌های کارشناسان برای اجرای این طرح، علاوه بر تأکید بر عدم انزوای ناشنوایان این است که با این طرح نگرش‌های افراد شنوا به ناشنوایان نیز بهبود پیدا می‌کند. چون دانش‌آموزان شنوا با ناشنوایان وارد تعامل می‌شوند و دیدگاه‌های غلط نسبت به جامعه ناشنوا به سمت نگرش‌های واقعی بهبود می‌یابد. این هدف قابل تحسین است. اما باید دانست روش‌های آموزشی را نمی‌توان برای افراد شنوا و ناشنوا یکسان به کار برد. همانطور که اگر با زبان اشاره و بدون آموزش آن سعی کنیم مثلاً درس علوم را برای کودکان فارسی‌زبان توضیح دهیم کار عبثی کرده‌ایم، در آموزش به ناشنوایان هم نمی‌توان از زبان فارسی استفاده کرد و انتظار داشت که همپای دانش‌آموزان شنوا درس را یاد بگیرند. مگر آنکه قبلاً سطح فارسی آنان را به حد قابل قبولی برسانیم. معلمان در آموزش زبان فارسی به ناشنوایان باید به گونه‌ها و سطوح مختلف زبان فارسی آگاه باشند و بدانند که ناشنوایان برای ادامه تحصیل به فارسی نوشتاری نیاز بیشتری دارند.

از میان روش‌های آموزش زبان گفتاری به ناشنوایان روش دوزبانه - دو فرهنگی تلقی کردن ناشنوایان و آموزش زبان گفتاری به عنوان زبان دوم به آنها امروز روش پذیرفته‌ای است. البته در مورد دوزبانگی